

پیشینه تاریخی نام خلیج فارس

✳️مرضیه بیگی زاده

چکیده

"خلیج فارس" نام پهنه ی آبی جنوب ایران است. این پهنه ی آبی از روزگاران باستان دارای اهمیت فراوان بوده و امروزه موقعیت استراتژیک و وجود نفت فراوان آن از یک طرف ثروت فراوانی را نصیب کشورهای منطقه نموده و از طرف دیگر باعث بوجود آمدن مشکلاتی برای آنان گردیده است اما متأسفانه کشورهای منطقه به جای مراعات نمودن حسن همجواری تحت تاثیر شیطننت های بیگانگان، در دوره های دارای اختلافاتی نیز بوده اند که در سال های اخیر، مناقشه بر سر نام خلیج فارس یکی از این موارد است. البته با توجه با اسناد و مدارک تاریخی که در این مقاله به ذکر آنها پرداخته ایم در خلیج فارس بودن، خلیج فارس هیچ شک و شبهه ای نیست و این اختلافی است که با حيله گری های کشورهای اروپایی و در راس آنها انگلستان، بین ایران و اعراب به وجود آمده است. حال دلیل این مناقشه چیست؟ کشورهای اروپایی به خصوص انگلستان در این میان چه نقشی را بر عهده داشته اند، نام خلیج فارس از ابتدای تاریخ تا معاصر و مواردی از این دست موضوع مقاله "پیشینه تاریخی نام خلیج فارس" است.

واژگان کلیدی:

ایران، خلیج فارس، هویت، انگلستان، پهنه ی آبی

مقدمه

"تمام سرزمین مقدس ایران و عراق و عربستان را اقیانوس گسترده ای فراگرفته بود، یک فشار تحت الارضی در عصر هیوسن طبقات زمین را بالا آورد و فلات را فرو برده و خلیج فارس را ایجاد نموده است." (ویلسون، ۱۱: ۱۳۶۶)

خلیج فارس در حاشیه ی شمال غربی اقیانوس هند قرار گرفته است و از شمال شرقی به کرانه های ایران، از شرق به دریای عمان و از جنوب و مغرب به شبه جزیره عربستان محدود است. بیشتر ساحل آن که در شمال قرار دارد در اختیار ایران است. همچنین بخش عمیق و قابل کشتیرانی آن نیز در منطقه ایران قرار دارد. باریک ترین قسمت آن در تنگه ی هرمز قرار دارد که تنها راه خروجی به اقیانوس هند است.

مطالب بالا توضیحات کلی بود در مورد پهنه ی آبی جنوب ایران که به خلیج فارس مشهور است و اخیرا اعراب با طرح دعوی بی اساس خواهان تحریف این نام تاریخی هستند البته هر ذهن واقع بینی در بی اساس بودن ادعای اعراب تردیدی به خود راه نمی دهد زیرا نام خلیج فارس برگرفته از ایالت "فارس" یا "پارس" است که در نزدیکی آن واقع شده است. اما ادعای اعراب برای تحریف نام خلیج فارس کاملاً بی پایه و از اساس باطل است. شاید آنها فراموش کرده اند، زمانی که خلیج فارس، به این نام خوانده می شد، تعدادی از همین کشورهای عربی، جزء ایران و تحت فرمان شاهان ایران بوده اند.

به هر حال در این مقاله که بر اساس منابع کتابخانه ای و روش توصیفی تحلیلی تهیه شده است برآنیم که ابتدا به دلایل اهمیت این آبراه حیاتی بپردازیم و سپس به ابعاد داخلی و خارجی تحریف نام خلیج فارس خواهیم پرداخت و بعد از آن، از منابع فراوانی اعم از کتب تاریخی و جغرافیایی و سفرنامه و نقشه هایی نام خواهیم برد که در ذکر نام خلیج فارس از پسوند "پارس" یا "فارس" استفاده نموده اند.

دلایل اهمیت منطقه خلیج فارس برای انگلستان

از آنجایی که زمزمه هایی تحریف نام خلیج فارس ابتدا توسط انگلیسی ها شروع شد به دلایل اهمیت این منطقه از جهان از نظر انگلیسی ها می پردازیم و اینکه آنها چرا به این اقدام دست یازیدند؛

از قرون پانزدهم و شانزدهم کشورهای پرتغال، انگلستان، هلند، فرانسه ابتدا با ایجاد روابط تجاری با کشورهای ساحلی خلیج فارس موقعیت خود را در این منطقه تثبیت کردند که بعداً روسیه نیز به آنها اضافه شد. در واقع با ورود روسیه به صحنه رقابت های سیاسی و تجاری با انگلستان بیم آن می رفت که روسیه از طریق ایران و خلیج فارس بر هندوستان مسلط شود از این رو اهمیت حفظ منافع و گسترش نفوذ سیاسی انگلستان در خلیج فارس دوچندان شد. اما رقیب خطرناک دیگری که در اروپا ظهور کرده و به شدت منافع انگلیسی ها را نه تنها در اروپا بلکه در تمام دنیا تهدید می کرد ناپلئون بناپارت بود. در واقع، رقابت در اروپا به رقابت در خلیج فارس نیز کشیده شده بود.

نکته ی دیگری که بر اهمیت خلیج فارس نزد انگلیسی ها افزود طرح نظریه ی هارتلند (سرزمین قلب گونه آسیای مرکزی) از سوی سر هالفورد مک کیندر بود مبنی بر اینکه: "آنکه بر هارتلند حکومت می کند، فرمانروای جزیره ی جهان است و آنکه بر جزیره ی جهان حکومت می کند، فرمانروای جهان است" (گراهام و نیونهام، ۱۳۸۱: ۳۶۶) و خلیج فارس در این میان دارای نقش ارتباطی و ترانزیتی با هارتلند بود.

اهمیت خلیج فارس تا بدانجا برای دولت بریتانیا اهمیت داشت که لرد کرزن در سال ۱۸۹۸ اظهار داشت که خلیج فارس باید به یک دریاچه ی بریتانیایی تبدیل گردد. (جعفری ولدانی، ۱۳۸۱: ۱۳-۱۱)

از آنجایی که در طول تاریخ همیشه قدرت و نفوذ ایران در منطقه خلیج فارس مانع نفوذ انگلستان بوده است. انگلیسی ها همواره در تلاش بوده اند که از این نفوذ و قدرت بکاهند و از جمله سیاست های آنها در این مورد می توان به، دسیسه های آنها در جداسازی مناطق و جزایر ایرانی، برنشاندن افراد مزدور و خائنی همچون شیخ خزئل، دخالت در خوزستان، توطئه برای جداسازی بحرین از ایران و همچنین تغییر نام خلیج فارس اشاره کرد. در واقع آنها با گذاشتن نام خلیج عربی در دهان اعراب نه تنها بر سیاست تفرقه افکنی بین کشورهای منطقه دامن زدند بلکه با تقویت شیخ نشین های عرب حوزه خلیج فارس در راستای سیاست ایران زدایی در منطقه گام های اساسی برداشتند زیرا همانطور که گفته شد در اجرای سیاست های انگلیس به منظور حضور و نفوذ در منطقه خلیج فارس، نفوذ و قدرت ایران سد محکمی بود که باید برداشته می شد.

یکی دیگر از دلایل اهمیت خلیج فارس قرار گرفتن در مسیر راههای تجارتی جاده ی ابریشم و جاده ی ادویه بود؛ جاده ابریشم که از چین شروع می شد پس از پیمودن هزاران کیلومتر به کرانه های خلیج فارس می رسید تا از این پس مسیر دریایی خود را تا ونیز و از آنجا تا سراسر اروپا ادامه دهد جاده ی ادویه نیز که از هندوستان شروع می شد و از راه آب به کرانه های خلیج فارس می رسید و پس از پر شدن بازارهای داخلی ایران و آسیای میانه و دور، ادویه ی اضافی به اروپا و شمال آفریقا صادر می شد. (خان محمدی، ۲) و مسئله ای به این مهمی نمی توانست از دید انگلیسی ها نادیده گرفته شود که بعد از انقلاب صنعتی در صدد دست یافتن به بازارهای فروش، نیروی کار و مواد خام ارزان قیمت بودند.

به هر حال عواملی از قبیل موقعیت استراتژیک منطقه، واقع شدن در مسیرهای تجاری، وجود ذخایر کانی از جمله نفت و ... عواملی بودند که هر قدرت استعماری را به آمدن و ماندن در منطقه خلیج فارس ترغیب می کند و دولت بریتانیا که سرآمد کشورهای استعمارگر در زمان خود بود میل بیشتری برای ماندن و استقرار در منطقه داشت مخصوصاً اینکه حفظ هندوستان با ذخایر سرشارش مزید بر علت گردیده بود.

تحریف نام خلیج فارس

برای هر نام جغرافیایی گذشته دور و درازی وجود دارد در واقع هر نام جغرافیایی حامل تاریخ ارزشمندی است که پشت سر گذاشته است. به طور کلی برای تغییر نام های جغرافیایی دلایل عمده ای وجود دارد؛ شاید عمده ترین دلیل آن، این باشد که هر حکومتی بعد از پیروزی در تلاش بوده است تمام آثار و نشانه های متعلق به حکومت قبل از خود را از بین ببرد که تغییر نام های جغرافیایی یکی از آن موارد است و این کار گاه بدون توجه به گذشته ی تاریخی و مطابقت آن نام، با حوزه ای جغرافیایی مورد نظر انجام شده است و امکان دارد که امری مطللوب و خوشایند نباشد.

تغییر نام های جغرافیایی در ایران و سایر کشورهای جهان وجود داشته و مسئله ی تازه ای نیست از جمله در ایران، در دوره های مختلف تاریخی شاهد این قضیه بوده ایم؛ شاید ملموس ترین مثال برای تغییر نام های جغرافیایی، تغییر نام یثرب به مدینه النبی بعد از هجرت پیامبر و یارانش به آن شهر بود یا تغییر نام بندرگمبرون به بندر عباس پس از اخراج پرتغالی ها از خلیج فارس توسط شاه عباس باشد. حتی در دوره ی معاصر در کشور خودمان شاهد این قضیه بوده ایم مثل تغییر نام بندر انزلی به بندر پهلوی بعد از اینکه از تصرف روس ها بیرون آمد و تغییر دوباره آن به بند انزلی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی.

اما تغییر و تحریف نام خلیج فارس که هزاران سال است به این نام خوانده می شود امری غیر عادی است زیرا این عمل بدون توجه به حقایق تاریخی، جغرافیایی و باستان شناسی صورت گرفته است.

به طور کلی در جریان تحریف نام خلیج فارس باید به مهمترین عامل آن توجه کرد که از آن تحت عنوان "پیوند غرب-عرب" یاد کرده اند (ه.ا.ل، ۱۳۸۳: ۶۸) پیوند نامیمونی که عواقب آن دامنگیر ایران شده است که نه تنها به منابع نفتی خلیج فارس رحم نمی کنند بلکه با دسیسه چینی در صدد تحریف نام خلیج فارس نیز می باشند.

آنچه که مسلم است این است که انگلیسی ها به منظور ادامه حضور خود در خلیج فارس و افزایش نفوذ سیاسی در این منطقه از سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن استفاده کرده و ناسیونالیسم عرب و ایرانی بهترین بهانه بود. ناسیونالیسم عرب با انقلاب ۱۹۵۲ مصر و کودتای عراق در ۱۹۵۸ شدت یافت و اعراب نه تنها خواهان تغییر نام خلیج فارس بودند بلکه در تلاش بودند که نام خوزستان را به عربستان نیز تغییر دهند. (نایب پور و ملکی، ۱۳۸۹، ۴۴ و ۵۵)

به هر حال سابقه استفاده از نامی جعلی به جای خلیج فارس به دهه ۱۹۶۰ بر می گردد. (اسدی، ۱۳۶۸: ۷-۶) زمانی که سر چارلز بلگریو، نماینده ی سیاسی بریتانیا در خلیج فارس، به عنوان مشاور امیر بحرین فعالیت می کرد.

وی در برابر ادعای تاریخی ایران نسبت به بحرین سخت برآشفته و پرونده ای را برای تحریف نام خلیج فارس به کشور مطبوع خود تقدیم نمود.

به زبان ساده تر باید گفت که انگلیسی ها این نام جعلی را در دهان اعراب گذاشتند و اعراب نیز نسنجیده و بدون در نظر گرفتن عواقب چنین اقدام خامی در خدشه دار کردن روابط با ایران بر آن مهر تایید زده و وقت و انرژی و پول فراوانی را صرف آن نمودند.

نام خلیج فارس در آثار قبل از اسلام

درباره ی نام های جغرافیایی قاعده ای کلی وجود دارد و آن این است که نام سرزمین ها و کشورها بیشتر از نام های طوایف و نژادهایی گرفته شده است که در آنجا زندگی می کرده اند. بیشتر نام رودها از رنگ آب ها و شکل ظاهری آنها بیرون آمده است و نام کوه ها را نیز اغلب از شباهت آنها با چیزهای دیگر گرفته اند اما به دریاها تقریباً همیشه نام کشورها و سرزمین هایی را که به آنها نزدیک بوده اند را داده اند. از آنجایی که دریایی که جنوب ایران را فراگرفته قسمت عمده ی سرزمین فارس در ایران را در برگرفته است و مردم فارس یعنی پارسیان باستان زودتر از طوایف دیگر با جهان غرب رابطه برقرار کرده اند از روزی که تدوین تاریخ و جغرافیا را آغاز کرده اند، دریای جنوب ایران را "دریای فارس، یا "خلیج فارس" نامیده اند. (نفیسی، ۱۳۳۷: ۶)

تمام متون قدیمی از نقشه ها و آثار جغرافیایی، نام خلیج یا دریای پارس را بر شعبه ای از اقیانوس هند که از جنوب ایران به موازات دریای سرخ، تا قلب دنیای قدیم پیش رفته است را اطلاق کرده اند.

"نارمروتو" قدیمی ترین نامی است که بر خلیج فارس گذاشته شده است. این نام را آشوریان بر آن نهاده اند که به معنی رود تلخ می باشد. (مشکور، ۱۳۵۵: ۷)

در اوستا نیز از خلیج فارس با عنوان "دریای پوئی تیک" یاد شده است. (دوست خواه، ۱۳۷۵: ۷۰۷)

در متون یونانی و لاتین از خلیج فارس با اسامی سینوس پرسیکوس، ماره پرسیکوم، آکوآرم پرسیکو و پرسیکون کای تاس نام برده شده است.

استرابون از خلیج فارس با نام "پرسیکون کای تاس" نام می برد و می نویسد که عرب ها بین خلیج عربی (دریای سرخ) و خلیج فارس سکونت دارند.... (مشکور، ۱۳۴۱: ۳۹) همچنین آریان مورخ یونانی که در قرن دوم میلادی می زیسته است نام خلیج فارس را پرسیکوس کای تاس نوشته است که معنی درست آن "خلیج فارس" است. (نفیسی، ۱۳۳۷: ۶)

بطلمیوس که بزرگترین عالم هیأت و جغرافیای قدیم است و در قرن دوم بعد از میلاد می زیست در کتاب بزرگی که در علم جغرافیا به زبان لاتین نوشته است از این دریا با نام سینوس پرسیکوس نام می برد. (مشکور، ۱۳۵۵: ۸)

سند دیگری که از خلیج فارس نام می برد در سرزمین مصر به دست آمده است که به خط هیروگلیف است و به یادبود حفر ترعه بین دریای سرخ و رود نیل نوشته شد. این ترعه پس از آنکه داریوش اول هخامنشی مصر را فتح کرد حفر گردید که به وسیله آن دریای مدیترانه به اقیانوس هند متصل می شد. (رازی، ۱۳۳۵: ۲۶-۲۵) این سند از خلیج فارس با نام "دریای پارس" نام می برد. (رائین، ۱۴۱: ۱۳۵۶)

همچنین داریوش اول در توصیف ممالک امپراتوری گسترده ی خود از سرزمین های دریایی پارس، خوزستان، بابل، زرنج، گنداره، رخج و مکیا یاد می کند و در کتیبه ی تخت جمشید، عربستان، ملت های آن سوی دریاها و ممالکی را که در مشرق و هندوستان هستند خراجگزار خود می داند. (پیرنیا، ۱۳۷۰: ۱۵۷۹-۱۵۷۱)

کوینته کورسه مورخ معروف نیز در اثر خود که در تاریخ اسکندر نوشته است نام خلیج فارس را "اکواروم پرسیکو" نوشته است که معنی تحت اللفظی آن "آبگیر فارس" است. (نفیسی، ۱۳۳۷: ۶)

به طور کلی در متون یونانی و لاتین هر جا نام خلیج عربی برده شده است مقصود دریای سرخ است. (همان، ۷) به این ترتیب در آثار جغرافیایی و تاریخی و باستان شناسی، هر جا که از دریای جنوبی ایران نام برده شده است پسوند "پارس" به کار رفته است و دلیل آن نیز نزدیکی خلیج فارس به ایالت پارس بوده است.

نام خلیج فارس در آثار دوره ی اسلامی

در دوره ی اسلامی نیز نویسندگان، مورخان، سیاحان و جغرافی دانان فراوانی در آثار خود از خلیج فارس با عناوینی از قبیل بحر فارس، خلیج فارس، دریای پارس و خلیج پارس یاد کرده اند.

آوردن پسوند فارس یا پارس برای آبراه جنوبی ایران چنان امر بدیهی و روشنی است که حتی نویسندگان معاصر عرب مانند جرجی زیدان و فیلیپ حتی نیز در آثار خود کراراً نام خلیج فارس را به کار برده اند. (زیدان، ۱۳۴۵: ۷۸، ۲۴۸، ۲۴۹ و...) و (حتی، ۱۳۴۴: ۱۲، ۲۲، ۱۸ و...) حتی فرهنگ المنجد که از فرهنگ های معتبر عربی است نام خلیج فارس را به کار برده است. (المنجد، ۳۴۳ و افشار، ۱۳۸۴: ۱۱۲)

اما همانطور که گفته شد نویسندگان فراوانی اعم از مورخ، سیاح، جغرافی دان و... در آثار خود از خلیج فارس نام برده اند که در ادامه مطلب به تعدادی از آنها اشاره خواهیم نمود.

قدامه ابن جعفر از دبیران مالی عصر عباسی در کتاب الخراج از خلیج فارس این چنین نام می برد: "...رود دجله آن گاه دو شاخه می شود، شاخه ای بر بصره گذرد و شاخه ای دیگر بر مذار، سپس همه ی اینها در دریای پارس ریزد." (قدامه ابن جعفر، ۱۳۷۰: ۱۱۸)

ابن واضح یعقوبی مورخ عصر عباسی، ضمن تشریح راههای دریایی می نویسد: "...اول دریای فارس که باید از سیراف در کشتی نشست و آخرش راس الجمجمه است. این دریا کم وسعت است و جایی برای شکار صدف دارد." (یعقوبی، ۱۳۷۸: ۲۶۰)

ابن فقیه در مختصر البلدان که در ۲۹۰ هجری قمری تالیف شده می نویسد: " بدان که دریای پارس و دریای هند یک دریا هستند؛ زیرا به یکدیگر پیوسته اند، اما در چگونگی ضد یکدیگرند. سختی کشتی رانی در دریای پارس از آغاز درآمدن خورشید به برج خوشه است " (ابن فقیه همدانی، ۱۸۸۵: ۸)

اصطخری به نقل از ابوزید بلخی می نویسد: "دریای پارس خلیجی باشد از دریای محیط در حد چین و حدود واق (سوماترا) و به هندوستان رسد و آن را به پارس و کرمان بازخوانند به حکم آنکه هیچ ولایت از این آبادتر بر این دریا نیست و به روزگار گذشته پادشاهان پارس بزرگ تر و قوی تر بوده اند و هم در روزگار مردمان پارس به هر جایی مستولی اند از کرانه های این دریا" (اصطخری، ۱۳۶۸: ۳۱)

مقدسی نیز در مورد خلیج فارس می نویسد: " نبینی که بیشتر مردم، این دریا را تا مرزهای یمن، دریای فارس می نامند و بیشتر کشتی سازان و دریانوردان فارسی هستند. (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲۶)

ادریسی مؤلف قرن ششم هجری می نویسد: "از دریای سبز چینی، بخشی منشعب می شود که آن دریای فارس و ابله است و راه عبورش از جنوب به شمال اندکی به غرب است سپس به غرب سرزمین های سند و مکران و فارس گرایش پیدا می کند تا اینکه در ابله، در محلی نزدیک آبادان، پایان می پذیرد و اینجا پایان آن دریاست" (ادریسی، ۱۹۹۴: ۹)

شمس الدین دمشقی بعد از معرفی خلیج فارس و جزایر و عجایب آن می نویسد: " اهل علم گویند که دریای فارس، دریایی مبارک و کثیرالخیر است و شعبه ای از دریای هند و از شعبه های بزرگ آن است... " (انصاری دمشقی، ۱۳۵۷: ۱۲۵)

ابوالفداء جغرافی نویسنده قرن هشتم در مورد خلیج فارس می نویسد: " دریای فارس دریایی منشعب از دریای هند است که بخش شمالی آن مکران است که در دهانه ی دریای فارس قرار گرفته ... " (ابوالفداء، ۱۳۴۹: ۲۲)

شهاب الدین نویری در کتاب "نهایه الارب فی فنون الادب در مورد خلیج فارس شرح مفصلی می نویسد: " و اما خلیج فارس مثلثی است شبیه بادبان که یکی از اضلاعش از تیز مکران به طرف کرمان بر ساحل هرموز و از بلاد فارس به طرف سیراف، توج و نجیرم و جنبه و دارین و سینیز و مهرویان تا عبادان می رسد... " (نویری، ۱۹۴۹: ۲۲۵)

در قدیمی ترین کتاب جغرافیا به زبان فارسی از خلیج فارس با عنوان "خلیج پارس" یاد شده است. (حدودالعالم، ۱۳۱۲: ۸)

دیگر آثاری که در آنها از خلیج فارس با پسوند "فارس" یا "پارس" یاد شده می توان به موارد زیر اشاره نمود؛

التفهیم (بیرونی، ۱۳۱۸: ۱۶۷)، مسالک و ممالک (ابن خردادبه، ۱۳۶۵: ۵۳)، صوره الارض (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱)، فارسنامه (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۶۵) عجایب الاقالیم السبعه الی نهایه العماره (سهراب، ۱۳۷۶: ۲۳۳)، جهان نامه (ابن نجیب بکران، ۱۳۴۲: ۱۹)، طبایع الحیوان (مروزی، ۱۹۴۲: ۱۶) معجم البلدان، (یاقوت حموی، ۱۳۸۲: ۶۸)، نزهه القلوب (مستوفی قزوینی، ۱۳۳۶: ۱۶۴)، خریده العجایب و فریده الغرائب (ابن وردی، ۱۳۰۳: ۹۱)، سفرنامه ابن بطوطه (ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۱۳۹) صبح الاعشی فی صناعة الانشاء (قلقشنندی، ۱۹۲۰: ۷۸)، عجایب هند (رامهرمزی، ۱۳۴۸: ۱۳۴۸)

(۱۱)، مروج الذهب (مسعودی، ۱۳۵۶: ۱۰۷)، عجایب المخلوقات (قزوینی، ۱۳۶۱: ۷۴ و ۱۱۷)، الفوائد فی اصول علم البحر و القواعد (ابن ماجه، ۱۳۷۲: ۹۹).

با این اوصاف سنت تاریخ نگاری و جغرافی نویسی اسلامی برای آبراه حیاتی جنوب ایران نامی غیر از خلیج فارس در حافظه ی تاریخی خود ثبت نکرده است.

نام خلیج فارس در نقشه های جغرافیایی

در دوران اسلامی با گسترش فتوحات نیاز به شناخت مناطق مختلف جهان افزایش یافت بنابراین گرایش به سمت دانش جغرافیا در بین دانشمندان مسلمان فزونی یافت با این اوصاف از قرن سوم به بعد با توجه به این نیاز، جغرافی نویسان اسلامی در صدد تهیه نقشه های گوناگونی از جهان برآمدند و در این راستا توضیحات جامعی در خصوص خلیج فارس و مناطق اطراف آن در آثار آنها دیده می شود که در تمام این آثار نام دریای فارس یا خلیج فارس ذکر شده است.

در زمان مامون کتب بطلمیوس همچون جامع در فلکیات و المجسطی به عربی برگردانده شد که تاثیری عمیق بر دانش جغرافی مسلمانان نهادند. (حلبی، ۱۳۵۶: ۳۲۳)

از نقشه نگاران بزرگ اسلامی می توان از ابن حوقل، ابوعبدالله ادریسی، ابواسحاق ابراهیم اصطخری، ابوریحان بیرونی و ابوعبدالله محمد خوارزمی نام برد. در نقشه هایی که از جغرافی دانان مسلمان به دست ما رسیده از خلیج فارس با عناوینی از قبیل بحر فارس، دریای پارس و خلیج الفارسی یاد شده است. (معرفتی، ۱۳۷۸: ۶۸)

همچنین افرادی از قبیل ابوعبدالله محمد بن احمد بن یوسف الکاتب خوارزمی، ابواسحاق ابراهیم ابن الزرقله مشهور به الرزقالی، شیخ ابوعبدالله محمد بن ادریس الحسینی، شیخ احمد طوسی همدانی، ابوعلی فارسی نحوی، ابوعبدالله زکریا محمد بن محمود قزوینی، ابوالحسن علی غرناطی مغربی، ابوالفداء، حمدالله مستوفی، ابن خلدون و... در نقشه های خود از دریای جنوبی ایران با پسوند فارس نام برده اند. (جغرافیای تاریخی و فرهنگی خلیج فارس، ۵۵)

شخص به نام ابی عمر محمد الیوسف الکندی المصری مولف الولاه در ابتدای کتابش نقشه ای که شامل قلمرو عباسیان است ترسیم نموده و از خلیج فارس به عنوان بحر فارسی نام می برد. (یکه زارع، ۱۳۷۸: ۶۵۴)

همانگونه که با فتح سرزمین های دیگر توسط مسلمانان لزوم شناخت همه جانبه ی آن سرزمین ها امری لازم و ضروری بود. همین قضیه در مورد اروپاییان نیز مصداق دارد به این صورت که با ورود اروپاییان و آشنایی آنها با شرق، شناخت جغرافیایی سرزمین های شرقی به منظور آشنایی با راههای مواصلاتی امری لازم و ضروری به نظر می رسید از آنجایی که خلیج فارس و اقیانوس هند از راه های مهم تجاری محسوب می شدند و نیز اینکه خلیج فارس منبع عظیمی از نفت و گاز بوده است به خصوص نقشه های دوران جدید اطلاعات کاملی راجع به بنادر و جزایر و اسکله ها و میزان عمق آب و... ارائه می دهند و نخستین توصیف های جغرافیایی آنان مربوط به منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند است. البته تهیه نقشه های جغرافیایی از خلیج فارس و جزایر و بنادر آن نشان دهنده ی مقاصد استعماری کشورهای استعمارگر خارجی است تا بهتر و راحت تر بتوانند اهداف خود را پیش ببرند.

به علت کثرت اسامی و نقشه‌هایی که توسط اروپاییان در زمان‌های مختلف ترسیم شده است در این مبحث فقط به گزیده‌ای از آنها اشاره می‌شود.

از آنجایی که پرتغالی‌ها زودتر از سایر کشورهای اروپایی با کشورهای شرق آشنا شدند نخستین سند و نقشه مربوط به خلیج فارس از آن سیاحی پرتغالی است و آن کسی نیست جز دوآرته باربوسا که طی سال‌های ۱۵۰۰ تا ۱۵۱۵ میلادی به هرمز مسافرت کرده است. او در اثر خود نیز ضمن شرح مفصلی از خلیج فارس می‌نویسد: "در دهانه‌ی دریای پارس جزایری وجود دارد به شرح زیر که متعلق به به پادشاه هرمز است: کیش، هندورایی، لار، تمب، فرور، قشم و بحرین..." (وئوقی، ۱۳۸۱: ۱۲) البته در هنگام ورود پرتغالی‌ها به این منطقه، اصطلاح خلیج فارس، به محدوده‌ای وسیع شامل دریای عمان و خلیج فارس و بخشی از اقیانوس هند کنونی اطلاق می‌شده است.

در سال ۱۵۰۷ نقشه‌ای از ایران در شهر رم منتشر شد که بر اساس جغرافیای بطلمیوس بود و در آن نام سینوس پرسیکوس برای خلیج فارس ثبت شده است. (گابریل، ۱۳۴۱: ۶۵) همچنین در سال ۱۵۹۵ میلادی نقشه‌ی ایران در اطلس مرکانو به چاپ رسید که در آن اصطلاح سینوس پرسیکوس (دریای پارس) به چشم می‌خورد. (همان، ۸۱)

کارتوگراف‌های اروپای قرون پانزدهم و شانزدهم و هفدهم، در تمام نقشه‌های خود نام خلیج فارس را به زبان‌های مختلف نوشته‌اند بطوریکه یکی از این افراد به نام ارون اسمیت نقشه‌ی تخصصی خلیج فارس را به صورت نموداری تحت عنوان "نمودار تخصصی خلیج فارس از اطلاعات اولیه" منتشر کرد. همچنین جاموکو گاستالدی که وی را پیش‌تاز فن نقشه‌نگاری ایتالیا در نیمه‌ی دوم قرن شانزدهم میلادی می‌دانند، در سال ۱۵۴۸ میلادی نخستین نقشه‌نویس ایران را منتشر کرد که خلیج فارس در آن با عنوان MAR PERSIO مشاهده می‌شود. (معرفی، ۱۳۸۷: ۶۹-۷۰)

سیاحان و سفیرانی که در دوره‌ی صفویه به ایران سفر کرده‌اند همگی در نقشه‌های خود از خلیج فارس، با پسوند فارس نام برده‌اند از جمله این افراد می‌توان از سر توماس هربرت انگلیسی (وئوقی، ۱۳۸۱: ۱۴)، تاورنیه جهانگرد فرانسوی (تاورنیه، ۱۳۸۹: ۱۱۲)، انگلبرت کمپفر آلمانی (کمپفر، ۱۳۶۳: ۴۵)، پیترو دلاواله سیاح ایتالیایی (دلاواله، ۱۳۸۰: ۱۲۸۹)، سیلوا فیگوئرا سفیر ایتالیایی (فیگوئرا، ۱۳۶۳: ۷۷) نام برد.

دو نقشه‌بردار انگلیسی به نام‌های کریستین براون و ساموئل تورنتون در سال ۱۷۱۲ و ۱۷۱۶ میلادی، و دانویل در سال ۱۷۷۶ میلادی در نقشه‌های خود از خلیج فارس نام برده‌اند همچنین شخصی به نام نیبور که نقشه‌ی وی از خلیج فارس دقیقاً منطبق بر محدوده‌ی خلیج فارس کنونی است نیز همچون گذشتگان واژه‌ی Sinus Persicus را برای خلیج فارس به کار برده است. (وئوقی، ۱۳۸۱: ۱۵)

با ورود انگلیسی‌ها به منطقه‌ی خلیج فارس، به منظور آشنایی بیشتر آنها با منطقه تهیه‌ی نقشه‌های جغرافیایی لازم و ضروری به نظر می‌رسید که در تمام آنها نام خلیج فارس دیده می‌شود. به هر حال فصل تازه‌ای در کشفیات ساحلی خلیج فارس در سال ۱۸۰۹ آغاز شد که به سرپرستی کاپیتان "وین رایت" انجام می‌شد. (گابریل، ۱۳۴۱: ۱۸۵)

در قرون جدید نیز با افزایش اهمیت خلیج فارس نزد دول استعماری از جمله انگلستان تهیه نقشه از این منطقه نیز افزایش یافت بطوریکه بخش نقشه برداری نیروی دریایی بریتانیا که در سال ۱۷۹۵ تاسیس شد نقشه های تخصصی فراوانی از خلیج فارس به همراه اطلاعاتی از بنادر، جزایر، اسکله ها و ... تهیه نمود و بین سال های ۱۸۲۸ تا ۱۸۳۲ مجموعه ۸۶ نقشه دریایی توسط کاپیتان جیمز هورسبورگ تهیه و توسط کمپانی هند شرقی منتشر شد. (معرفتی، ۱۳۸۷: ۷۰)

در تمام نقشه هایی که در قرون جدید از منطقه تهیه شده است، آب راهه ی محصور میان سرزمین ایران، شبه جزیره ی عربستان، و تنگه ی هرمز، خلیج فارس نام دارد. (همان، ۷۰)

به هر در تمام نقشه هایی که از خلیج فارس ترسیم شده است استفاده از پسوند فارس یا پارس برای دریای جنوبی ایران امری بدیهی بوده است و در هیچ نقشه ای از روزگاران باستان تا نیمه ی دوم قرن بیستم نامی غیر از دریای پارس یا خلیج فارس برای آن منظور نشده است و بر اهل علم واضح است که به کار بردن نامی غیر از خلیج فارس امری غیر قابل پذیرش است و اندیشمندان واقعی جهان در به رسمیت شناختن حقانیت تاریخی نام خلیج فارس هیچ تردیدی ندارند.

نتیجه گیری

روشن است زمانی می توان نام خلیج فارس را به نام دیگری تغییر داد که تمام اسناد و مدارکی را که ثابت می کند نام خلیج فارس، خلیج فارس است از بین برود امری که البته غیر ممکن است.

امکان تغییر نام خلیج فارس وجود ندارد و این خلیج ایرانی است و ایرانی باقی خواهد ماند زیرا خلیج فارس فقط یک پهنه ی آبی نیست که دارای اهمیت استراتژیک و اقتصادی باشد بلکه بخشی از هویت فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی و سیاسی ایران است.

آنچه که واضح و مبرهن است این است که هر کشوری که در جهت تقویت هویت ملی و میراث باستانی خود بکوشد کمتر در معرض تهاجم فرهنگ های بیگانه و وارداتی قرار می گیرد از آنجایی که خلیج فارس نیز بخشی از هویت فرهنگی ماست، بر ماست که در حفظ و نگهداری آن کوشا باشیم.

استفاده از هر نام دیگری به جز خلیج فارس به منزله ی جعل بزرگ تاریخی است که هیچ ذهن آگاهی آن را برنمی تابد.

مسلم است که هر چقدر که از نفوذ سیاسی ایران در منطقه و جهان کاسته شود اعراب در این کار خود یعنی تغییر نام خلیج فارس مصمم تر خواهند شد و همین امر باید عزم دولتمردان ایران را برای قبولاندن نام تاریخی خلیج فارس به جهانیان افزایش دهد و آنچه که بیشتر از همه لازم و ضروری به نظر می رسد ترجمه مقالات و کتاب ها به زبان های مختلف و همچنین دایر کردن نمایشگاه های از اسناد و مدارک و نقشه های تاریخی در سایر کشورهای جهان است. باشد که این تلاش حق را به حقدار برساند.

مراجع

- ابن بطوطه، شرف الدين ابو عبدالله محمد بن عبدالله، ١٣٣٧، *تحفه النظر في غرائب الامصار و عجائب الاسفار*، ترجمه محمد علي موحد، تهران، بنگاه ترجمه و نشر كتاب.
- ابن بلخي، ١٣٧٤، *فارس نامه*، توضيح و تحشيه منصور رستگار فسائي، شيراز، بنياد فارس شناسي.
- ابن حوقل، ١٣٤٥، *صوره الارض*، ترجمه جعفر شعار، تهران، انتشارات علمي فرهنگي.
- ابن خردادبه، ١٣٦٥، *مسالك و ممالك*، ترجمه حسين قره چانلو، تهران، انتشارات اميركبير.
- ابن فقيه همداني، ابوبكر احمد بن محمد بن اسحاق ١٨٨٥م، *مختصر البلدان*، ليدن.
- ابن ماجد، شهاب احمد، ١٣٧٢، *الفوائد في اصول علم البحر و القواعد*، ترجمه و تحشيه احمد اقتداري، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگي.
- ابن نجيب بكران، محمد، ١٣٤٢، *جهان نامه*، تهران، كتابخانه ابن سينا.
- ابن واضح يعقوبي، ١٣٧٨، *تاريخ يعقوبي*، ترجمه عبدالمحمد آيتي، انتشارات علمي فرهنگي.
- ابن وردى، ابو حفص زين الدين عمر ابن مظفر، ١٣٠٣ق، *خریده العجايب و فريده الغرائب*، قاهره، جلد اول.
- ابوالفداء، اسماعيل بن علي، ١٣٤٩، *تقويم البلدان*، ترجمه عبدالمحمد آيتي، تهران، انتشارات بنياد فرهنگ ايران.
- ادريسي، محمد بن محمد، ١٩٩٤م، *نزهة المشتاق في اختراق الافاق*، قاهره، مكتبة الثقافة لدينيه.
- اسدي، بيژن، ١٣٦٨، *كتاب شناسي موضوعي خليج فارس (فارسي و عربي)*، تهران، دفتر مطالعات سياسي و بين المللي.
- اصطخرى، ابواسحاق ابراهيم، ١٣٦٨، *مسالك و ممالك*، به كوشش ايرج افشار، تهران، انتشارات علمي فرهنگي.
- افشار، ايرج، ١٣٨٤، *خليج فارس بر پايه اسناد تاريخي و نقشه هاي جغرافيايي*، تهران، مركز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ١٣٨٤.
- انصاري دمشقي، شمس الدين محمد، ١٣٥٧، *نخبة الدهر في عجائب البر و البحر*، ترجمه حميد طببييان، تهران، فرهنگستان ادب و هنر.
- ايوانز، گراهام و نيونهام، جفري، ١٣٨١، *فرهنگ روابط بين الملل*، برگردان حميرا مشيرزاده و حسين شريفي، تهران، ميزان.
- بيروني، ابوريحان محمد بن احمد، ١٣١٨، *التفهيم لاولئل صناعة التنجيم*، به اهتمام جلال الدين همائي، تهران، شمس.
- پيرنيا، حسن، ١٣٧٠، ج ٢، *تاريخ ايران باستان*، تهران، دنياي كتاب، ج ٢.
- تاورنيه، ژان باتيست، ١٣٨٩، *سفرنامه*، ترجمه حميد ارباب شيراني، تهران، نيلوفر.
- جعفري ولداني، اصغر، ١٣٨١، *ژئوپلتيك جديد دريای سرخ و خليج فارس*، تهران، دفتر مطالعات سياسي و بين المللي.
- جغرافياي تاريخي و فرهنگي خليج فارس، *نامه ي فرهنگ*، ش ٥٥، صص ٣٥-١٢.
- حتى، فيليپ، ١٣٤٤، *تاريخ عرب*، ترجمه ابوالقاسم پاينده، تبريز، حقيقت.
- حدود/العالم، ١٣١٢، به اهتمام سيد جلال الدين همائي، تهران، بي نا.
- حلي، علي اصغر، ١٣٥٦، *تاريخ تمدن اسلام*، تهران، چاپ و نشر بنياد.
- خان محمدي، علي اكبر، *نگاهي به پيشينه ي فرهنگي خليج فارس*، فصلنامه روابط خارجي ايران، ش ٢٢، صص ٨-١.
- دلاواله، پيترو، ١٣٨٠، *سفرنامه*، ترجمه محمود بهفروزي، تهران، نشر قطره.

- دوست خواه، جلیل، ۱۳۷۵، کهن ترین سرود های ایرانیان، تهران، انتشارات مروارید، جلد دوم.
- رازی، عبدالله، ۱۳۳۵، تاریخ مفصل ایران؛ از تاسیس سلسله ماد تا عصر حاضر، تهران، انتشارات اقبال.
- رامهرمزی، ناخدا بزرگ شهريار، ۱۳۴۸، عجایب هند، ترجمه محمد ملک زاده، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- رائین، اسماعیل، ۱۳۵۶، دریانوردی ایرانیان، تهران، جاویدان.
- زیدان، جرجی، ۱۳۴۵، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، امیرکبیر.
- سهراب، ۱۳۷۶، عجایب الاقالیم السبعه الی نهاییه العماره، ترجمه و تحقیق حسین قره چانلو، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی،
- فیگوئرا، دن گارسیا سیلوا، ۱۳۶۳، سفرنامه، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، نشر نو.
- قدامه ابن جعفر ۱۳۷۰، الخراج، ترجمه و تحقیق حسین قره چانلو، تهران، نشر البرز.
- قزوینی، زکریا ابن محمد، ۱۳۶۱، عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات، تصحیح نصرالله صبوحی، تهران، کتابخانه مرکزی.
- قلقشندی، احمد بن علی، ۱۹۲۰م، صبح الاعشی فی صناعة الانشاء، قاهره.
- کمپفر، انگلبرت، ۱۳۶۳، سفرنامه، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران، خوارزمی.
- گابریل، الفونس، ۱۳۴۱، تحقیقات جغرافیایی ایران، ترجمه خواجه نوری، تهران، ابن سینا.
- مروزی، شرف الزمان طاهر، ۱۹۴۲م، طبایع الحیوان، باب چین و ترک، به اهتمام پروفسور ولادیمیر مینورسکی، لندن.
- مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابی بکر، ۱۳۳۶، نزهة القلوب، به کوشش محمد دبیر سیاقی، طهوری تهران، بی نا.
- مسعودی، ابوالحسن علی ابن الحسین، ۱۳۵۶، مروج الذهب و معادن الجواهر، جلد اول، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶، ص ۱۰۷)
- مشکور، محمدجواد، ۱۳۴۱، نام خلیج فارس، سمینار خلیج فارس، تهران، اداره کل انتشارات و رادیو، جلد ۱.
- مشکور، محمدجواد، ۱۳۵۵، نام خلیج فارس در طول تاریخ، تهران، وزارت اطلاعات و جهانگردی.
- معرفتی، شادی، ۱۳۸۷، نقشه های تاریخی خلیج فارس، مجله کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، مهر ماه، صص ۷۱-۶۶.
- مقدسی، ابوعبدالله محمد ابن احمد، ۱۳۶۱، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران، شرکت مولفان ایران.
- المنجد فی الغه و الاعلام
- نایب پور، محمد و ملکی، لقمان، ۱۳۸۹، جغرافیای تاریخی خلیج فارس، مجله کتاب ماه، ش ۱۴۸، شهریور، صص ۴۴-۵۵.
- نفیسی، سعید، ۱۳۳۷، خلیج فارس در متون یونانی و لاتین و تازی، نشریه وزارت امور خارجه، ش ۸، آذرماه، صص ۱۱-۶.
- نویری، احمد بن عبدالوهاب، ۱۹۴۹م، نهاییه الارب فی فنون الادب، قاهره، دارالکتب المصریه، ج ۱.
- وثوقی، محمدباقر، ۱۳۸۱، نقشه های تاریخی خلیج فارس، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، س چهارم، ش ۱۳، زمستان، صص ۳۰-۵.
- ویلسون، آرنولد، ۱۳۶۶، خلیج فارس، ترجمه محمد سعیدی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- ه.ا.ل، ۱۳۸۳، تحریف نام خلیج فارس، مجله حافظ، ش ۱۰، دی ماه، صص ۶۸-۶۷.
- یاقوت حموی، شهاب الدین ابوعبدالله، ۱۳۸۲، معجم البلدان، مترجم رضا انزایی نژاد، تهران، سروش(انتشارات صدا و سیما).
- یکه زارع، سهراب، ۱۳۷۸، نام خلیج فارس در کتاب الاولاده، پیام بهارستان، س اول، ش ۱ و ۲، پاییز و زمستان، صص ۶۵۴-۶۵۳.